



تفسير انجيل متى
برای مشاوران مسیحی

The Christian Counselors Commentary
The Gospel of
Matthew

Jay E. Adams

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

بیش نویسن مترجم

جی آدامز بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برایمان فراهم ساخته است.

امیدوارم کتابی که در دست دارید باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آمین

شاهرخ صفوی

فصل هشتم

شناخت عیسی

متی ۸

۱: چون عیسی از کوه پائین آمد،
جماعت‌های بزرگ از پی او روانه شدند.

موعظه سر کوه به پایان رسیده بود و عیسی پائین آمد و خود را میان جمعیت انبوه یافت. جاذبه عیسی را هیچ کس نمی تواند انکار کند. اوست که پای در میان گذاشته. بالای کوه گفت، و حال پائین کوه انجام می رساند. نیازمندان نیز فراوانند، از کوچک و بزرگ، همه نور او را بر درون خود می دیدند. حال نتیجه ظاهری مانده تا آنچه گرفته شده اثبات گردد. میوه باید برداشت گردد. حرف های عیسی بنا کننده است، نه تنها برای نشستن و شنیدن. دل است که به خدا سپرده می شود و حیات بهشتی را بار می آورد. کیست که سلامتی را نخواهد؟

شفا

متی ۸

۲: در این هنگام مردی جذامی نزد او آمد
و در برابرش زانو زد و گفت:
«سرورم، اگر خواهی می توانی پاک سازی.»
۳: عیسی دست خود را دراز کرده،
او را لمس نمود و گفت: «می خواهی پاک شو!»
در دم، جذام او پاک شد.
۴: سپس عیسی به او فرمود:
«آگاه باش که در این باره به کسی چیزی نگوئی،
بلکه برو خود را به کاهن بنما،
و هدیه ای را که موسی امر کرده،
تقدیم کن تا برای آنها گواهی باشد.»

نشانه های آمرزش گناهان را مشاهده می کنیم. جذامیان جماعت نجس و طرد شده قوم یهود بودند، و بدبختی آن ها را مردم جدای گناهانشان می شمردند. ولی آن جذامی (با وجود تمام نا امیدي و بدبختی های زندگی) گفت: «سرورم اگر خواهی». وقتی به اعماق جریان شفا بنگریم و حیات جدید را در نظر بگیریم، به جانب سلول آن خلقت جدیدی که در بدن ظاهر شده و مکمل حیات گردیده می رسیم. موضوع این نیست که چرا چنین واقع شد، بلکه، چگونه واقع شد. روح چگونه بر جسم اثر گذاشت. جنبه علمی آن چیست؟ ولی

ایرادشان این بود که چون خدا آنها را جذامی کرده بود، تنها خدا می توانست آنها را پاک سازد، و نه انسان (عیسی). و اگر این خیر انتشار می یافت، نتایج بدی را نیز ایجاد می ساخت. جامعه، وقت لازم خود را نیاز دارد، تا برداشت درستی داشته باشد. بسیاری هنوز امکان تغییر کردن انسان را غیر ممکن می دانند. شهادت من و توست که باید ثبت شده در دسترس جامعه گم شده قرار بگیرد.

ایمان آوردن فرمانده

متی ۸

- ۵: چون عیسی وارد کفرناحوم شد،
یک نظامی رومی نزدش آمد و با التماس
۶: به او گفت: «سرور من،
خدمتکارم مفلوج در خانه خوابیده و سخت درد می کشد».
۷: عیسی گفت: «من می آیم و او را شفا می دهم».
۸: نظامی پاسخ داد: «سرورم، شایسته نیستم زیر سقف من آئی.
فقط سخنی بگو
که خدمتکارم شفا خواهد یافت.
۹: زیرا من خود مردی هستم زیر فرمان.
سربازانی نیز زیر فرمان خود دارم.
به یکی می گویم "برو"، می رود،
به دیگری می گویم "بیا"، می آید.
به غلام خود می گویم "این را بجای آر"، به جای می آورد».
۱۰: عیسی چون سخنان او را شنید،
به شگفت آمد
و به کسانی که از پی اش می آمدند، گفت:
«آمین، به شما می گویم،
چنین ایمانی حتی در اسرائیل هم ندیده ام».
۱۱: و به شما می گویم
که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد
و در پادشاهی آسمان
با ابراهیم و اسحاق و یعقوب
بر سر یک سفره خواهند نشست،
۱۲: اما فرزندان این پادشاهی
به تاریکی بیرون افکنده خواهند شد،
جائی که گریه و دندان بر هم سائیدن خواهد بود».
۱۳: سپس به آن نظامی گفت:
«برو! مطابق ایمانت به تو داده شود».
در همان دم خدمتکار او شفا یافت.

مردم بسیاری به عیسی ایمان می آوردند، ولی یک رومی، فرمانده نظامی، به عیسی ایمان آورده بود! کار روح القدس عجیب است چون تماس را با دل افراد، حتی در سر زمین های دور دست برقرار می سازد، و نوید لطف خدا را به دل های گوناگونی می رساند. منظور حکمتی است که در خداست، و وسعت ملکوت او که به چشم نمی خورد. دل های بسیاری جان خود را به عیسی مسیح سپرده اند. علاوه بر این، توجه کنید که خدمتکار نظامی "در همان دم" شفا یافت. شفا در یک لحظه صورت می گیرد و زمان می برد تا رشد کرده برداشت از آن محسوس گردد (میوه آورده شود). خداوند لحظه به لحظه کار می کند و حیات خود را پرورش می دهد. علمی است که هنوز کاملاً فاش نشده، ولی شاهدان آن بسیار است.

شفای بیماران

متی ۸

۱۴: چون عیسی به خانه پطرس رفت،

مادر زن او را دید که تب کرده و در بستر است.

۱۵: عیسی دست او را لمس کرد

و تبش قطع شد.

پس او برخاسته و مشغول پذیرائی از عیسی شد.

۱۶: هنگام غروب،

بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند

و او با کلام خود

ارواح را از آنان به در کرد

و همه بیماران را شفا داد،

۱۷: تا بدین سان،

پیشگویی اشعیاى نبی به حقیقت پیوندد که:

«او ضعفهای ما را بر گرفت

و بیماریهای ما را حمل کرد».

اینجا شفا های جسمانی را مشاهده می کنیم که از طریق ایمان بوجود می آیند. می گوید، "ضعفهای ما را بر گرفت". این همان وسوسه هائیسست که به گناه می انجامند. خدا سپر بلا می شود. و در دنبال به آن می گوید، "بیماری های ما را حمل کرد"، و این همان شفا هائیسست که از طریق کلام در ایمانداران به مسیح به ثمر می رسد. کیست که چنین برکاتی را رد کند. البته مذهب زمینه تلخی را بجای گذاشته، ولی انسان امیدش را از دست نمی دهد، و خدا همیشه درب را می کوبد، "هان بر در ایستاده می کوبم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهم آمد و با او همسفر خواهم شد و او با من" (مکاشفه ۳: ۲۰).

بهای پیروی از عیسی

متی ۸

۱۸: چون عیسی دید گروهی بی شمار نزدش آمده اند،
امر فرمود:

«به آن سوی دریا برویم»

۱۹: آنگاه یکی از علمای دین نزد او آمد و گفت:

«ای استاد، هر جا بروی، تو را پیروی خواهم کرد.»

۲۰: عیسی پاسخ داد:

«روباهان را لانه هاست و مرغان هوا را آشیانه ها،

اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست.»

۲۱: شاگردی دیگر به وی گفت:

«سرورم، نخست رخصت ده

تا بروم و پدر خود را به خاک بسپارم.»

۲۲: اما عیسی به او گفت:

«مرا پیروی کن

و بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند.»

سؤال استفاده از عیسی امکان پذیر هست، ولی عاقبت خوبی ندارد. عیسی به شاگردی که بخاطر رفاه زندگی دنبال او بود گفت، این دنیا ارزشی در ملکوت خدا ندارد، و آنگهی، نان حیات در دست خداست و آنرا خدا می دهد. انسان مخلوق خدا و مجری خواست اوست، و نه برعکس. اگر خدا را بخواهی، البته نیاز هایت را برآورده خواهد ساخت، ولی در صورتی که پیرو روح القدس و کلام خدا باشی، و عیسی منجی تو باشد. البته خدا «آفتاب خود را بر بدان و نیکان می تاباند و باران خود را بر پرسایان و بدکاران می باراند» (متی ۵: ۴۵)، ولی شناخت خداست که تخم کاشته را بارور می کند و مقصود و منظوری را برای حیات فراهم می آورد. قصد تو چیست؟ آیا شناخت بیشتر خداست؟ خدا را شکر برای تو.

به دومی گفت، «مرا پیروی کن». گذشته را پشت سر بگذار، و بگذار خدا قدم بعدی تو را فراهم سازد. آنکه مرده بخاطر گناه مرد. گناهانیست که به ارث برد و خود در زندگی به آن افزود. مرگ از خدا نیست، از شیطان است. وقتی نافرمانی می کنیم، به روح القدس پشت کرده و روی به شیطان می آوریم (وسوسه افکار/احساسات، که از طبیعت از جلال افتاده سر می زند). اینگونه است که شیطان در وجود انسان رشد می کند. بستگی به حمایت ما (خواست، هدف، راهنما، دلبستگی) دارد. اگر کلام خدا را محدوده زندگی خود بشماریم، آنوقت زمینه را برای روح خدا (روح القدس) فراهم می سازیم. پیروی از خدا گرایش زندگی را دوباره به خدا باز می گرداند (از طریق جسم پوشیدن کلام)، و در ب بهشت را بر روی فرزند خدا دوباره باز می نماید. عکس آن را در آنچه در دنیا می گذرد، می بینیم. ترس از شیطان است. شیطان می خواهد تو را به شکلی مایوس نماید. بخود آی، و حکمت زندگی خودت را از خدا دریافت کن. عیسی همیشه می گوید، «مرا پیروی کن». در راه هیات، آیا روح القدس را همراه داری؟ خدا را شکر برای تو. اما اگر نداری، عیسی می گوید، «هان بر در ایستاده می کوبم. کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید، به درون خواهم آمد و با او همسفر خواهم شد و او با من» (مکاشفه ۳: ۲۰).

آرام کردن توفان

متی ۸

۲۳: سپس عیسی سوار قایقی شد
و شاگردانش نیز از پی او رفتند.
۲۴: ناگاه توفانی سهمگین در گرفت،
انگونه که نزدیک بود امواج قایق را غرق کند.
اما عیسی در خواب بود.
۲۵: پس شاگردان آمده بیدارش کردند و گفتند:
«سرور ما،
چیزی نمائده غرق شویم؛
نجاتمان ده!»
۲۶: عیسی پاسخ داد:
«ای کم ایمانان،
چرا این چنین ترسانید؟»
سپس برخاست و باد و امواج را نهیب زد
و آرامش کامل حکمفرما شد.
۲۷: آنان شگفت زده از یکدیگر می پرسیدند:
«این چگونه شخصی است؟
حتی باد و امواج نیز از او فرمان می برند!»

اینجا عیسی را می بینیم که شاگردانش را برای "پیروی از او"، آنان را به جانب پرورش ایمانشان (مسائل و مشکلات زندگی) هدایت می کند. "شاگردانش از پی او رفتند". حال ببینیم چگونه هدایت شدند و چه برداشت کردند؟ با توفان و خطر جانی مواجه شدند و عیسی گفت "ای کم ایمانان، چرا این چنین ترسانید؟". از عیسی بیاموزیم. زمانی که توفان زندگی بر می خیزد، عیسی را می بینیم که در کمال اطمینان به پدر، با خیال راحت خوابیده (مزمور ۴: ۸) و با شنیدن ندای کمک از جانبی، به نجات جان می شتابد. پطرس نیز با "پیروی از او"، چند قدمی را روی آب راه رفت (متی ۱۴: ۲۸ تا ۳۱). خدا فرزندانش را شبیه منجیشان عیسی مسیح پرورش می دهد. گناهان (که هر یک توفانی در زندگی ایجاد می کنند) را هر یک دفع می نماید، و به جایشان، حیات جاودان را شکوفا می سازد. خدا در وجودمان هست. ما باید او را بجوئیم و از او برداشت نمائیم. بهترین موقع، زمانی است که با مسئله یا مشکلی روبرو می شویم و حکمت کلام را از خدا می جوئیم. اجرای کلام خداست (عمداً)، که میوه روح القدس را می آورد، و جزئی از بدن ما می گردد (روح جسم می پوشد). همانگونه که ابتدا ایمان آوردیم، همان و برای چندمین بار، به درد ما می رسد، و ما را در جلال خود سهیم می کند. آمین

دیوزدگان

متی ۸

۲۸: هنگامی که به ناحیه جَدْرِیان، واقع در آنسوی دریا رسیدند، دو مرد دیوزده که از گورستان خارج می شدند، بدو برخوردند. آن دو به قدری وحشی بودند که هیچ کس نمی توانست از آن راه عبور کند. ۲۹: آنا فریاد زدند:

«تو را با ما چه کار است ای پسر خدا؟
آیا آمده ای تا پیش از وقت مقرر عذابمان دهی؟»
۳۰: کمی دورتر از آنها گله ای بزرگ از خوکها مشغول چرا بود.
۳۱: دیو ها التماس کنان به عیسی گفتند:
«اگر بیرونمان می رانی، به درون گله خوکها بفرست.»
۳۲: به آنها گفت:

«بروید!»
دیوها خارج شدند و به درون خوکها رفتند
و تمام گله از سرازیری تپه به درون دریا هجوم بردند
و در آب هلاک شدند.
۳۳: خوکبانان گریخته، به شهر رفتند و همه این وقایع،
از جمله آنچه را که برای آن دیوزده ها رخ داده بود، باز گو کردند.
۳۴: سپس تمام مردم شهر برای دیدن عیسی بیرون آمدند
و چون او را دیدند
بدو التماس کردند که آن ناحیه را ترک گوید.

در اینجا عیسی را می بینیم که با دو مرد دیوزده مواجه می شود. منظور نشان دادن ابعاد و دامنه اقتدار مسیح است. مسیح نه تنها "تمامی قدرت در آسمان و بر زمین" (متی ۲۸: ۱۸) به او داده شده، بلکه بر شیطان نیز حاکم است. قبلاً در آیه ۱۶ این را دیدیم. اینجا نمونه خاصی از آن را مشاهده می کنیم. با وجود آنکه مسیح برای گوسفندان گم شده اسرائیل فرستاده شده بود، در مواقعی سر به اماکن مرزی می زد تا جان های بیشتری را نجات دهد.

ابتدا نگاهی به این دیو ها و چگونگی کارشان بکنیم. آنچه مربوط به کارشان است را در بد بختی و زندگی فلاکت باری که ساخته اند می بینیم. در سر زمین مردگان، لانه ساختن، و ترس، خشم، و نفرت را رواج دادن کارشان بود. این روح وحشی به انسان نیز سرایت می کند. وحش نیز درجات خود را دارد، و بستگی به گناهایی است که در هر شخص موجود می باشد. ما که ایمان آورده ایم، می دانیم که روح القدس در ما ساکن است، و قدرت انجام آنچه خواست خداست را در ما می آفریند.

این دو بقدری دلشان پر بود، که هر لحظه امکان داشت منفجر شوند. ظلم عظیمی به آنها وارد شده بود. کسی نیز به آنها محل نمی گذاشت، "به قدری وحشی بودند که هیچ کس نمی توانست از آن راه عبور کند". این دو نیاز به کمک داشتند، نه بی رحمی! اینان نیز بنده خدا بودند. پولس نیز زمانی از مسیحیان نفرت داشت. ولی پس از نجات، رسول خدا گردید.

همه قوی نیستیم، و در برابر سختی های زندگی تاب تحمل نداریم، و اگر کسی به ما کمک نکند، بدبختی وجود ما را فرا خواهد گرفت. عیسی می گوید، او را نادیده نگیر، به او توجه کن و ببین چه در دل دارد. تا زمانی که دلش پر است، جایی برای حقیقت نیست. توبه کار، ابتدا باید از وخامت وضع خود خبردار بوده باشد، دلش خالی بگردد (و به این شکل زخم و نشان های وارده نیز شناخته شود)، آنوقت پذیرای کلام و مرحم خدا خواهد بود. هر چه دلش خالی شود، جای برای خدا بیشتر می شود. کار ما، اعتراف به ضعفی است که شیطان از آن استفاده کرده. نطفه ایست که باید کلام جایگزین آن بگردد. هر چه بیشتر به عمق مطلب پی ببریم، خواست خدا را بهتر می فهمیم. مغز انسان قابلیت چنین کاری را زمانی از دست داد که شیطان وارد صحنه شد. و زمانی چنین شخصی می تواند پای بر عرصه عقل و منطق بگذارد که از بند، رها بوده باشد. برای این دو نیز عیسی وارد صحنه شد و نجات را آورد. دیوها نیز نگران حال خود، به خوک ها پناه آوردند، و عیسی نیز اجازه را داد و شر از میان رفت.

اما برداشت مردم را نیز می بینید، که بخاطر مالشان حاضرند از جان کسی بگذرند تا مالشان دست نخورده بماند. آنوقت متوجه می شویم که دنیا حقیقتاً از جلال افتاده و در راه نابودی پیش می رود. اگر ملکوت خدا در میان بود، هیچگاه فساد بر پا نمی شد. از هر یک از ما آغاز می شود و سپس به اجتماع نفوذ می کند. خیر خواهی خدا را باید به گوش همه رساند. آمین